

پژوهش جامعه‌شناختی فرهنگ شهروندی و هویت ملی مطالعه موردی: زنان شهر فیروز آباد

* اسفندیار غفاری نسب

E-mail: s.ghafarinasab@gmail.com

** محمدعلی قاسمی نژاد

E-mail: m.a.ghaseminejad@gmail.com

*** سیدابراهیم مساوات

E-mail: s.ebrahimmosavat@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۴

چکیده

فرهنگ شهروندی به مثابه نوعی فرایند از قرن نوزدهم همگام با جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته است. این پدیده با جدی شدن مسأله جهانی شدن در دهه‌های اخیر از مسایل اجتماعی معاصر است. پژوهش حاضر قصد دارد تأثیر دین و رسانه را بر فرهنگ شهروندی زنان مورد بررسی قرار دهد. مدل تحقیق حاضر بر اساس نظریه‌های ژانوسکی و ترنر طراحی شد و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته بین ۴۰ نفر از زنان ۱۸-۲۹ سال شهر فیروزآباد توزیع و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری شد. همچنین اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط SPSS بیانگر آن است که از میان ۶ فرضیه تحقیق، فرضیه‌های مربوط به میزان دینداری و میزان استفاده از رسانه و آگاهی سیاسی و هویت ملی مورد تأیید قرار گرفتند. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشانگر این واقعیت بود که ۴ متغیر میزان دینداری، هویت ملی، میزان آگاهی سیاسی و میزان تحصیلات پاسخگویان در مجموع ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند.

کلید واژه‌ها: فرهنگ شهروندی، هویت ملی، دین، رسانه، زنان.

* دانشیار و هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول

** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

۱- مقدمه و بیان مسأله

مفهوم شهروندی در ادبیات علمی معاصر جایگاه ویژه‌ای یافته است و محققان بسیاری در جهت ایجاد فهمی روشن از آن و تشخیص اثراتی که بر حوزه‌های مختلف جوامع انسانی و زندگی اجتماعی می‌تواند به جای گذارد، تلاش‌های فراوانی صورت داده‌اند. شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آنها و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است. در تعریف‌های متفاوتی که از شهروندی ارائه شده است، تعبیر مشترکی وجود دارد که عنصر اساسی آن حقوق و وظایف است. شهروندی رابطه‌ی بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند. شهروندی هر دو عنصر فردگرایانه و جمع‌گرایانه را در خود دارد و بدین ترتیب که شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال کند و هم‌چنین فرد را قادر می‌سازد که دستی در شکل دادن به نهادهای حکومتی عمومی داشته باشد و از طرف دیگر بر مسئولیت‌هایی که باید برای پایداری جوامع سیاسی و محیط طبیعی مان بپذیریم، تأکید می‌کند (کیث فالکس، ۱۳۸۱: ۱۰).

فرهنگ شهروندی از ابعاد جدید مفهوم شهروندی است که در دوران معاصر در کانون توجه محققان قرار گرفته است و به مثابه نوعی فرایند اجتماعی از اوایل قرن نوزدهم مطرح شده است. منظور از فرهنگ شهروندی در مقاله حاضر، در تعریف جامعی که یونسکو ارائه می‌دهد، نهفته است: «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و هم‌چنین تشخیص حقوق و تعهدهای شهروندی است» (یونسکو، ۲۰۰۴: ۵). از جمله مؤلفه‌های مشترک در تعریف‌های گوناگون شهروندی، مفهوم عضویت در اجتماع و برخورداری از حقوق برابر است که این عناصر در ارتباط با گروه زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از جمله عواملی که می‌تواند سبب مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در حیات اجتماعی شود و حس مثبت شهروندی را در آنان برانگیزاند، دین و رسانه است (کتابی و دیگران، ۱۳۸۶؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲). رسانه‌ها ابزاری کارآمد و آزمون شده‌اند که به روش‌های گوناگون می‌توانند زمینه تسهیل مشارکت شهروندان و همکاری آنان را برای اداره بهتر شهر فراهم بیاورند. باورهای دینی نیز از این جهت که جهان‌بینی و باورهای اساسی هر فرد در خصوص خدا، انسان و اجتماع را شکل می‌بخشند،

می‌توانند در شکل دادن به نگرش‌های سیاسی - اجتماعی افراد مؤثر باشند. به‌علاوه از جمله ابعاد بسیار مهم در فرهنگ شهروندی که در اغلب تحقیقات مورد غفلت واقع شده است، هویت ملی است (شاه‌طلبی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۵) که با تقویت هویت ملی، می‌توان انتظار فرهنگ شهروندی بالاتری را داشت؛ چرا که احساس تعلق به ملت و جامعه زمینه‌ساز رعایت ابعاد فرهنگ شهروندی از جمله مشارکت، رعایت قوانین و غیره می‌شود.

در راستای آنچه گفته شد، پیش فرض تحقیق حاضر این است که علاوه بر موارد مذکور، آگاهی سیاسی می‌تواند با فرهنگ شهروندی رابطه داشته باشد. یعنی کسانی که نسبت به مسائل روز سیاسی پیرامون خود و دنیای اطراف آگاه‌ترند، از مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی بهتری برخوردارند. در راستای اهمیت آگاهی سیاسی در حکومت‌های مردمی و این‌که افراد برای آن‌که شهروندانی شایسته باشند، باید به اندازه کافی از سیاسی آگاهی سیاسی برخوردار باشند، میشل دلی کارپینی و اسکات کیتز استدلال می‌کنند که «احتمال مشارکت شهروندان مطلع، در سیاست بیشتر است و آنان بهتر می‌توانند منافع شخصی خود را تشخیص دهند، بهتر می‌توانند نفع فردی خود را با افکار و ایده‌های خاص درباره دنیای سیاست ارتباط دهند» (دلی کارپینی و کیتز، ۱۹۹۶: ۲۸).

در واقع برای درک بهتر مفهوم شهروندی، می‌توان عناصر اصلی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این ارتباط، مفهوم شهروندی حداقل شامل چهار عنصر اصلی هویت ملی (مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که انتظار می‌رود شهروندان آن را دارا باشند و عمدتاً این ویژگی‌ها با هویت جمعی یک جامعه ارتباط دارد)، تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی (مجموعه خصوصیات که در درون یک جامعه وجود دارد و از طریق این تعلقات، می‌توان ویژگی‌های کلی شهروندان یک جامعه را تعریف کرد)، نظام اثربخش حقوقی (یک ساختار حقوقی که هدف آن، تضمین برابری شهروندان است) و مشارکت مذهبی و سیاسی است. این مفاهیم دارای ارتباط نظام‌وار با یکدیگر و با مفاهیم اصلی شهروندی می‌باشد (طالب‌زاده و فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۲: ۲۱۴).

به‌علاوه از آن‌جا که مفهوم شهروندی می‌تواند در جامعه، چارچوبی نظری را برای دستیابی به اشتراک نظر و توافق متحدساز، و ائتلاف گروه‌ها، جریان‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورد، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ایجاد و تثبیت مبانی همبستگی ملی دارد. این چارچوب که ماهیتی تجمعی - ائتلافی دارد، از این ظرفیت برخوردار است که با همبسته و یکپارچه ساختن هویت‌های متکثر ذیل اصل همبستگی

اجتماعی در درون دولت ملی، به چشم‌اندازهای ملی نظیر مشارکت سیاسی، تعلق ملی و هویت ملی معنا بخشد (نظری، ۱۳۸۸: ۳۳). با توجه به مطالب بیان شده و نظر به این‌که جامعه مورد نظر پژوهش حاضر (شهر فیروزآباد) با مسایل شهری شدن همچون رشد و تراکم جمعیت شهری، گسترش میزان استفاده از رسانه‌ها، مصرف انرژی، کمبود منابع شهری و رقابت در دستیابی به این منابع و مهم‌تر از همه مطالبات اجتماعی - سیاسی زنان برای مشارکت در تعیین سرنوشت‌شان مواجه است، بررسی فرهنگ شهروندی در این شهر ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس سؤال‌های تحقیق از این قرار است:

۱- به چه میزان دین و رسانه بر شکل‌گیری فرهنگ شهروندی تأثیرگذار بوده است؟

۲- آیا رابطه‌ای بین هویت ملی و آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی وجود دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

محمودی (۱۳۹۰)؛ در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی سه پایه دوره راهنمایی این نتیجه به دست آمد که بیشتر محتوای کتاب‌ها به آموزش شهروند قانون مدار با ۴۵/۵ درصد پرداخته است. آموزش شهروند مشارکتی با ۳۶/۰۶ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد و آموزش شهروند انتقادی با ۱۸/۴۴ درصد کمترین نسبت را به خود اختصاص داده است. ترکمان و بهمن‌پور (۱۳۸۸)، نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند.

اذانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله خود پیرامون تحلیل فرهنگ شهروندی در شهر یزد نشان می‌دهند که شهروندان یزدی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسطی قرار دارند.

یافته‌های تحقیق فاطمی‌نیا (۱۳۸۶)، پیرامون فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد برای تحقق فرهنگ شهروندی نیازمند یک حرکت دوسویه هستیم، یکی از بالا به پایین، که همان فرصت‌دهی و مشارکت جویی ساختار کلان است، و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت شهروندان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه عرصه عمومی است.

باسل آکار (۲۰۱۲)، در پژوهش خود در لبنان نشان می‌دهد که روابط متقابل پیچیده‌ای بین مفاهیم شهروندی در سطح ملی، فنون یادگیری تکراری، واکنش احساسی

به موضوع‌های مناقشه‌انگیز و فرصت‌های محدود برای تفکر انتقادی و درگیر شدن در گفت‌وگوی کلاسی وجود دارد.

جن وانگ و چاک کونگ ونگ (۲۰۱۱)، در پژوهش خود کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که آیا ارزش‌های چینی تأثیری مستقیم بر رفتار سازمانی شهروندی دارد و آیا آن را تأیید می‌کند. نتایج تحقیق مدل مفهومی تحقیق را تأیید کرد و ارتباط بین ارزش‌های چینی و رفتار شهروندی سازمانی را نشان می‌دهد.

الکساندرا لوک‌سیت و درک اوری (۲۰۱۰)، در پژوهشی تفاوت‌های فرهنگی در برخورد با مهاجرین را در کشور آمریکا مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زندگی در همسایگی مهاجرین به تفاوت‌های شهروندان در محل کار مرتبط است و این مسأله نیز به نوبه خود با نوع دیدگاه مثبت این کارمندان از مهاجرین ارتباط دارد. این تأثیر برای افرادی با غرور ملی بالا بیشتر بیان شده است.

رمضان آلاباس (۲۰۱۰)، تحقیقی با عنوان «تصورات دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از شهروندی» انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندی از نظر آنان در چهار مقوله اصلی زندگی در کشور، تعلق به ملتی خاص، جوان بودن و تأکید بر هویت ملی قرار دارد.

در خصوص تحقیق‌های صورت گرفته در داخل و خارج از کشور باید به چند نکته اشاره کرد. غالب تحقیقات داخلی تحلیل محتوا هستند و یا این که به صورت توصیفی انجام شده‌اند. ضمن این که غالباً فرهنگ شهروندی در کلان‌شهرها و یا شهرهای بزرگ و مطرح ایران انجام شده‌اند و به شهرهای کوچک و یا در حال رشد و مخصوصاً زنان کمتر به طور خاص توجه شده است. در ضمن در مورد تحقیق‌های خارجی باید اشاره کرد که رویکرد اصلی تحقیق‌های خارجی حول محور فرهنگ شهروندی مهاجران و وضعیت آنان در جامعه میزبان است.

۳- مروری بر نظریه‌های موجود و ارائه چارچوب نظری

در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهروندی طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که به برخی از نظریه‌ها اشاره می‌شود:

توماس هامفری مارشال

مارشال (۱۹۵۰) شهروندی را رابطه بین فرد و دولت تعریف می‌کند. وی تحول شهروندی را در سه سطح مدنی، سیاسی و اجتماعی بررسی می‌کند. حقوق مدنی

عبارت است از آزادی‌های حزبی، آزادی فکر و اندیشه، ایجاد توقع برابری و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی. مارشال حقوق مدنی را زیربنای آزادی مرزی و سرمایه‌گذاری اقتصادی می‌داند (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۳۱؛ ذکایی، ۱۳۸۰: ۳).

بعد از آن حقوق سیاسی قرار دارد که عبارت از حقوقی است که امکان مشارکت مردم در تصمیم‌های عمومی کشور یا تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات را فراهم می‌کند. وی سومین حق را حقوق اجتماعی می‌داند که عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را، به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها، فراهم می‌آورد (مارشال، ۱۹۵۰: ۱۰۵).

توماس ژانوسکی

ژانوسکی معتقد است که در چند دهه گذشته در رابطه با موضوع شهروندی سه تغییر سیاسی مهم رخ داده است: «۱- مورد تهدید واقع شدن حقوق شهروندی به وسیله برخوردهای فزاینده عمومی و حتی دولتی نسبت به دولت رفاه، ۲- ناتوانی کمونیست‌ها در کنترل اروپای شرقی، و ۳- ادعاهای فزاینده بین‌المللی درباره حقوق شهروندی از سوی مهاجران و پناهندگان سیاسی» (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۴).

وی بر این باور است که بدیهی انگاشتن کلمه شهروندی سبب شده تا ما نظریه‌ای جامع در مورد آن نداشته باشیم. وی شهروندی را این چنین تعریف می‌کند: «عضویت فعال و منفعل افراد در چارچوب یک دولت - ملت که همراه با حقوق و تعهدهای همگانی در سطح مشخص شده‌ای از برابری است» (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۴). حقوق چهارگانه مدل ژانوسکی به این قرار است: ۱- حقوق قانونی ۲- حقوق سیاسی ۳- حقوق اجتماعی ۴- حقوق مشارکت (ترکمان و بهمن‌پور، ۱۳۸۹: ۱۸).

فالكس

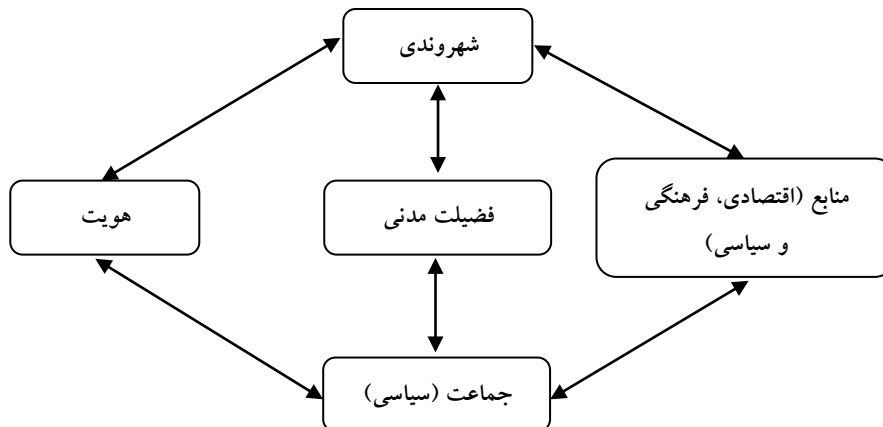
فالكس شهروندی را یک موقعیت عضویت تعریف می‌کند که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات و برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۴). ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است. شهروندی با سلطه ناسازگار است، خواه منشأ سلطه دولت، خانواده و شوهر باشد و خواه کلیسا، گروه قومی و هر نیروی دیگر که ما را به‌عنوان فرد مستقل و قادر به اداره خود به رسمیت نمی‌شناسد.

برایان اس. ترنر

ترنر ادعا می‌کند که تاریخ مدرن شهروندی را می‌توان به مثابه یک سلسله دایره‌های گسترش‌یافته‌ای تلقی کرد که به وسیله نیروی حرکت برخورد و مبارزه به پیش رفته است... جنبش شهروندی از مفهوم خاص به مفهوم عام ترقی کرده؛ چرا که ارائه تعریف‌های خاص از افراد به منظور طرد آنها به طور فزاینده غیرعقلانی به نظر رسیده و با مبنای نظام سیاسی مدرن در تعارض قرار گرفته است (ترنر، ۱۹۸۶: ۱۳؛ ترنر، ۱۹۹۰: ۱۹۰). وی معتقد است، شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی متکی به شهروندی اقتصادی و فرهنگی است. وی شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی قانونی می‌دهد. این حقوق و الزامات قانونی به لحاظ تاریخی منشأ به وجود آمدن نهادهای اجتماعی از قبیل نظام قضایی، پارلمانی و دولت‌های رفاه شده است.

ترنر در الگوی جامعه‌شناسی از شهروندی، چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، جماعت و منابع (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) را در تعامل با یکدیگر می‌داند که در قالب مدل زیر قرار می‌گیرد:

۱- مدل الگوی جامعه‌شناختی شهروندی ترنر



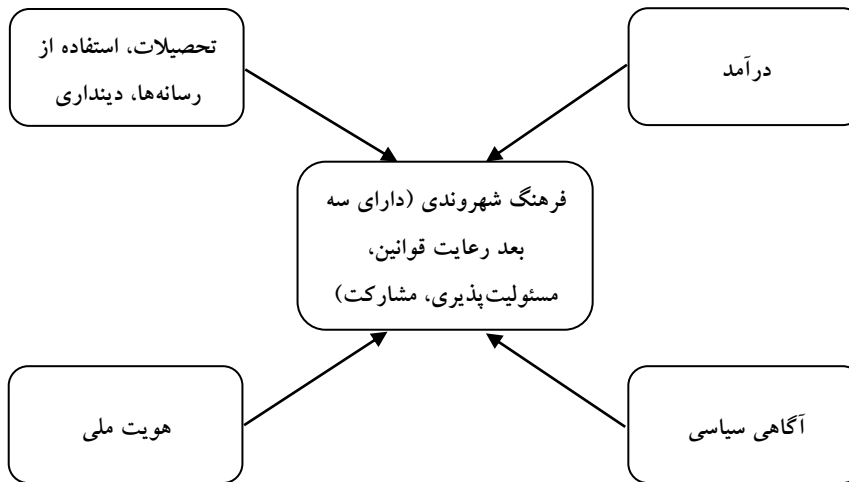
این مفاهیم در یک تعامل متقابل با فضیلت مدنی مرتبط‌اند. تأکید ترنر بر فرهنگ در بحث شهروندی در توجه او به هویت منعکس شده است. در واقع از نظر وی شهروندی علاوه بر ایجاد فرصت حقوقی، یک نوع «هویت فرهنگی خاص» را هم برای فرد و هم برای گروه ایجاد می‌کند. البته باید به این نکته توجه کرد که از نظر ترنر، این

تعلق و وابستگی فرد به یک اجتماع سیاسی (دولت - ملت) است که به یک شهروند، هویت فرهنگی خاصی می‌بخشد. به عبارت دیگر، افراد با عضویت‌شان در مجموعه‌ای از نهادها، صاحب حقوق و وظایف شده، هویت خاصی را کسب کرده، و به نوعی در مدینه فاضله جامعه‌پذیر می‌شوند.

هم‌چنین مؤلفه‌ مشهود دیگر در مدل ترنر، منابع است که وی آن را شامل منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌داند که هر شهروند از آنها بهره‌مند می‌شود و هر شهروند دارای حقوقی است. حقوق اقتصادی به نیازهای اساسی به غذا و سلامتی، حقوق فرهنگی به امکان دسترسی به رفاه و آموزش و حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان مربوط می‌شود که مجموعه این حقوق، حقوق اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به علاوه وی جماعت سیاسی را زمینه‌ساز شهروندی می‌داند (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۳؛ شریتیان، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

در ادامه باید به این نکته اشاره شود که در تبیین ترنر درباره گسترش، جایگاه و فرهنگ شهروندی در جوامع، افول دین (دنیوی شدن)، مفهومی مرکزی به شمار می‌آید. این ایده، برخاسته از یک رویکرد کارکردگرایانه جامعه‌شناسان است که معتقدند در دنیای مدرن، همراه با تمایز و تفکیک، بسیاری از وظایف و کارکردهایی که در گذشته توسط دین و نهادهای دینی انجام می‌شده است، به یکسری نهادهای جدید و تخصصی واگذار شده است (بکفورد، ۲۰۰۳ به نقل از موحد و همکاران، ۱۳۸۸) که از جمله آنها نهادهای شهروندی است. بنابراین به نظر او در جامعه‌ای که فرایندهای دنیوی شدن گسترش یافته‌اند و گفتمان عمومی جامعه نه متأثر از زبان دینی و نه برگرفته از نهادهای دینی است، روابط شهروندی امکان بروز و ظهور می‌یابند (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۵۵). البته باید به این نکته توجه کرد که تحلیل ترنر از شکل‌گیری روابط شهروندی مبتنی بر تجربه جامعه مسیحی در اروپای غربی است (موحد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۹). حتی عکس آنچه ترنر ادعا می‌کند، به نظر می‌رسد که دینداری با رعایت فرهنگ شهروندی رابطه مثبتی داشته باشد. از نظر دورکیم، دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی و تقویت الزام‌های اخلاقی درونی شده، به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۸۰). براساس آنچه بر مبنای نظریه ترنر گفته شد، و دخل و تصرف در مدل وی و با جایگزینی برخی مؤلفه‌ها، مدل تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد:

۲- مدل مفهومی پژوهش



بر این اساس، درآمد افراد در قالب منابع اقتصادی، میزان تحصیلات، دینداری و استفاده از رسانه‌ها در قالب منابع فرهنگی و آگاهی سیاسی در قالب منابع سیاسی جایگزین شده‌اند. به علاوه از آنجا که احساس هویت و تعلق به دولت - ملت، از مؤلفه‌های اصلی اثرگذار بر فرهنگ شهروندی است؛ هویت ملی، نیز در مدل تحقیق وارد شده است. هم‌چنین همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مدل این پژوهش، برای تبیین ابعاد شهروندی (رعایت قوانین، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی) از چهار نوع حقوق (مدنی، سیاسی، اجتماعی و مشارکت) مطرح شده در نظریه ژانوسکی استفاده شده است.

۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- ۲- بین میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- بین میزان دینداری و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۴- بین آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۵- بین هویت ملی پاسخگویان و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۶- بین درآمد پاسخگویان و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه زنان ۱۸-۲۹ سال شهر فیروزآباد است. که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۹۰ نفر از زنان تعیین شد، اما برای اطمینان خاطر، پرسشنامه‌ها در بین ۴۰۰ نفر از زنان توزیع شد. به علاوه روایی، پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر تضمین شد.

برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای ابعاد فرهنگ شهروندی ۰/۸۴، میزان دینداری ۰/۸۳ و میزان استفاده از رسانه ۰/۷ و آگاهی سیاسی ۰/۷۹ و هویت ملی ۰/۸۲ است.

۶- تعریف متغیرها

۱- فرهنگ شهروندی: شهروندی مقوله‌ای درباره عملکرد افراد است به گونه‌ای که در یک جامعه دموکراتیک بتوانند در محیط خود و محیط اجتماعی دیگران اثرگذار باشند (برن، ۱۹۶۶ به نقل از کیشانی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴).

شهروندی را می‌توان «عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت و ملت با حقوق و تعهدهای همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری است»، تعریف کرد (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۴). با توجه به مباحثی که در بخش نظری مطرح شد، برای فرهنگ شهروندی سه بعد (رعایت قوانین، مسئولیت‌پذیری و مشارکت) در نظر گرفته شده است که این ابعاد با ۴۳ گویه در قالب طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

۲- میزان استفاده از رسانه‌ها: اشاره به مصرف وسایلی دارد که انسان‌ها هم برای برقراری ارتباط و هم برای انتقال اطلاعات از آنها استفاده می‌کنند، که شامل استفاده از روزنامه، رادیو، کتاب یا تلویزیون، ماهواره، اینترنت و کامپیوتر و تلفن همراه است و در قالب طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

۳- میزان دینداری: عبارتست از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءطبیعه و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت تقریب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح است (کتابی و

دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۲). برای سنجش دینداری، از نظر گلارک و استارک استفاده شد و این متغیر در سطح فاصله‌ای و توسط ۱۷ گویه سنجیده شد.

۴- آگاهی سیاسی: منظور از آگاهی سیاسی در اینجا آگاهی‌ها، اطلاعات و دانسته‌های شهروندان درباره مفاهیمی مانند دولت، ملت، سیاست، حکومت، قدرت، اقتدار، مشروعیت، نفوذ سیاسی و غیره است که آنها را هرچه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه‌ای مردم‌سالار آماده می‌سازد. این متغیر در قالب ۸ پرسش و در سطح فاصله‌ای سنجیده شد.

۵- هویت ملی: هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارتند از: «سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). این متغیر در قالب ۱۵ گویه و در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

۷- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۴۰۰ نفر از زنان ۱۸-۲۹ سال شهر فیروزآباد مورد بررسی قرار گرفتند که ۶۸/۵ درصد از پاسخگویان مجرد و ۳۱/۵ درصد آنها متأهل است. از کل نمونه مورد بررسی، ۱/۵ درصد در سطح ابتدایی، ۵ درصد در سطح راهنمایی، ۱۰ درصد در سطح متوسطه، ۳۸/۵ درصد در سطح دیپلم، ۲۸ درصد در سطح فوق‌دیپلم، ۱۵ درصد در سطح لیسانس و ۲ درصد از آنها در سطح فوق‌لیسانس و بالاتر قرار داشتند. هم‌چنین بی‌سواد در بین آنان دیده نمی‌شود. به لحاظ شغلی نیز، ۳۶ درصد پاسخگویان به‌عنوان متخصصان و کارمندان عالی‌رتبه، ۳/۵ درصد به‌عنوان متخصصان و کارمندان غیرعالی‌رتبه، ۴ درصد در مشاغل خدماتی، تولیدی بالا، ۲ درصد در مشاغل خدماتی، تولیدی پایین فعالیت داشته‌اند. هم‌چنین ۵۶ درصد از پاسخگویان نیز شغلی را عنوان نکرده‌اند (بدون شغل بوده‌اند).

۸- تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها

فرضیه ۱: بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.

در جدول شماره ۱، با توجه به مقدار F به دست آمده (۰/۴۴۷) و سطح معناداری (Sig=۰/۸۴) فرضیه مورد نظر تأیید نمی‌شود، یعنی میان میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ شهروندی آنها رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول ۱: تحلیل واریانس «فرهنگ شهروندی» با میزان تحصیلات پاسخگویان

منبع واریانس	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	معنی داری
واریانس بین گروه‌ها	۶	۲۱۸/۹۵	۰/۴۴۷	۰/۸۴
واریانس درون گروه‌ها	۱۹۰	۴۸۹/۲۸	---	---

فرضیه ۲: بین میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. در جدول شماره ۲ با توجه به سطح معناداری به دست آمده (Sig=۰/۰۰۶)، رابطه همبستگی بین متغیرهای مذکور معنادار است؛ لذا فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه بین میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی «فرهنگ شهروندی» با میزان استفاده از رسانه پاسخگویان

متغیر وابسته	مقدار همبستگی (متغیر مستقل میزان استفاده از رسانه)
فرهنگ شهروندی	$r=۰/۴۵۴$
	Sig = ۰/۰۰۶

فرضیه ۳: بین میزان دینداری و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. در جدول شماره ۳ رابطه میان میزان دینداری و فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری به دست آمده (Sig=۰/۰۰۰)، معنادار است؛ لذا فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه بین میزان دینداری و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود.

جدول ۳: ضریب همبستگی «فرهنگ شهروندی» با میزان دینداری پاسخگویان

متغیر وابسته	مقدار همبستگی (متغیر مستقل میزان دینداری)
فرهنگ شهروندی	$r=۰/۴۹۶$
	Sig = ۰/۰۰۰

فرضیه ۴: بین میزان آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. در جدول شماره ۴ رابطه میان میزان آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری به دست آمده (Sig=۰/۰۲)، معنادار است؛ لذا فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه بین میزان آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود.

جدول ۴: ضریب همبستگی «فرهنگ شهروندی» با میزان آگاهی سیاسی پاسخگویان

متغیر وابسته	مقدار همبستگی (متغیر مستقل میزان آگاهی سیاسی)
فرهنگ شهروندی	$r=0/161$ $Sig=0/02$

فرضیه ۵: بین هویت ملی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. جدول شماره ۵ بیانگر رابطه میان هویت ملی و فرهنگ شهروندی افراد مورد مطالعه، براساس ضریب همبستگی است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($Sig=0/000$)، این رابطه معنادار است و فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۵: ضریب همبستگی «فرهنگ شهروندی» با هویت ملی پاسخگویان

متغیر وابسته	مقدار همبستگی (متغیر مستقل هویت ملی)
فرهنگ شهروندی	$r=0/356$ $Sig=0/000$

فرضیه ۶: بین میزان درآمد و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. جدول شماره ۶ بیانگر رابطه میان میزان درآمد و فرهنگ شهروندی افراد مورد مطالعه، براساس ضریب همبستگی است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($Sig=0/124$)، این رابطه معنادار نیست.

جدول ۶: ضریب همبستگی «فرهنگ شهروندی» با میزان درآمد پاسخگویان

متغیر وابسته	مقدار همبستگی (متغیر مستقل میزان درآمد)
فرهنگ شهروندی	$r=0/08$ $Sig=0/124$

تحلیل رگرسیونی

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهند که میزان دینداری به‌عنوان اولین و قوی‌ترین متغیر وارد معادله شده است که با میزان ($T=8/299$) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/000$) بیشترین ارتباط را با فرهنگ شهروندی داشته است. به عبارت دیگر هر چه میزان دینداری شهروندان بالاتر می‌رود، فرهنگ شهروندی آنها بیشتر تقویت می‌شود. در مرحله بعد نیز متغیرهای هویت ملی، آگاهی سیاسی و میزان تحصیلات وارد معادله رگرسیونی شدند. براساس آمارهای جدول مذکور چهار متغیر میزان دینداری، آگاهی سیاسی و میزان تحصیلات در مجموع می‌توانند ۳۸ درصد از تغییرهای درونی فرهنگ شهروندی شهروندان را تبیین کنند ($R^2=0/38$).

جدول شماره ۷: تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

مرحله	نام متغیر	ضریب B	ضریب Beta	آزمون T	سطح معنی داری
اول	میزان دینداری	۱/۴۱	۰/۵۱۲	۸/۲۹۹	۰/۰۰۰
دوم	هویت ملی	۱/۵۴	۰/۳۷	۶/۵۴	۰/۰۰۰
سوم	آگاهی سیاسی	۱/۷۳	۰/۱۸۳	۴/۷۳	۰/۰۱
چهارم	میزان تحصیلات	۱/۳۲	۰/۱۵۱	۲/۸۱	۰/۰۱۸
		Adjusted R ² =۰/۳۷۱	R ² =۰/۳۸	R=۰/۶۲	

۹- بحث و نتیجه گیری

شهروندی غالباً به معنی قدرت بخشی به اعضای جامعه و توانمندسازی و برخوردار ساختن آنها از حق رأی، تصدی مناصب سیاسی، برابری در مقابل قانون و استحقاق برخوردار از مزیت‌ها و خدمات مختلف حکومتی است. علاوه بر این شهروند بودن مستلزم داشتن تعهداتی چون پیروی از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور بوده است (اشرف‌نظری، ۱۳۸۸: ۳۵).

در سه دهه گذشته و بعد از انقلاب ۱۳۵۷، ماهیت گفتمان قانون اساسی، ترتیبات سیاسی جمهوری اسلامی، جهت‌گیری‌های قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی و راهبری برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه الزامات جدید برخاسته از روح مردم‌سالاری دینی بر ایجاد شهروندی اثرگذار بوده است. پژوهش حاضر براساس محوری که پیش از این توضیح داده شد، اجرا گردید و نتایج آن نشان می‌دهد که میزان پایبندی به هر سه بُعد فرهنگ شهروندی در شهر فیروزآباد کمتر از حد متوسط است.

یافته تحقیق در این زمینه با پژوهش‌های هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۸)، اذانی و همکاران (۱۳۹۰)، فتحی و ثابتی (۱۳۹۱) و همتی و احمدی (۱۳۹۲) که بیان می‌کنند میزان فرهنگ شهروندی افراد مورد بررسی در حد متوسط است، همسو و هماهنگ است.

مطلوب نبودن میزان مشارکت‌جویی زنان در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی در جامعه ایرانی را می‌توان در نتیجه عدم فرهنگ مشارکت دانست. هم‌چنین عدم رعایت قوانین در بین برخی شهروندان را باید در قانون‌گریزی برخی افراد جامعه ایرانی

جست‌وجو کرد که در بستر تاریخی و فرهنگی شکل گرفته است و نیز از عوامل اساسی در پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان را در عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم پاداش و تنبیه مناسب دانست. بنابراین می‌توان گفت که شهروندی واقعی زمانی برای زنان به طور تمام تحقق می‌یابد که زمینه‌های عینی و ذهنی آن در جامعه فراهم شود. از طرف دیگر، زمانی افراد جامعه حاضر می‌شوند، فرهنگ شهروندی را درونی کنند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آن را از نزدیک لمس کرده باشند. در این زمان حاضر هستند از بسیاری از خواسته‌ها و آزادی‌های خود بگذرند تا دیگر شهروندان نیز به راحتی زندگی کنند.

در واقع بعد رفتاری شهروندی مشخص می‌کند که اگرچه توسعه و گسترش توانایی‌ها و تعهدهای فردی لازم است، اما آنها به تنهایی کافی نیستند. زنان به‌عنوان شهروند باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت مختلف نیز فعالیت کنند و کنش متقابل بین اعضای جامعه را درک کنند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷).

از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به تأیید چهار فرضیه ارتباط میزان دینداری ($sig=0/000$) و میزان استفاده از رسانه ($sig=0/006$) و آگاهی سیاسی ($sig=0/02$) و هویت ملی ($sig=0/000$) با فرهنگ شهروندی اشاره کرد که با نتایج پژوهش‌های لوک‌سیت و اوری (۲۰۱۰)، فلوم و سینامون (۲۰۱۱)، لطف‌آبادی (۱۳۸۵)، هاشمیان‌فر و عجمی (۱۳۹۱) و غیره همسو است.

در واقع هرچه آگاهی سیاسی زنان بیشتر باشد، توانمندی آنان نسبت به وظایف و تکالیف و هویت شهروندی قوی‌تر خواهد بود که در این راستا، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی می‌توانند نقش مؤثری را ایفا کنند. به‌علاوه، دین و مجموعه شعایر و مناسک وابسته، این ظرفیت را دارد که مشارکت اجتماعی، انجام فعالیت‌های داوطلبانه، و شکل‌گیری شبکه‌ای اجتماعی در بین زنان را تقویت کند. این نکته در نظریه سرمایه بومی داوانزو نیز مطرح است؛ چرا که وی معتقد است مشارکت در سازمان‌های دینی و انجام مناسک جمعی دین شبکه‌هایی اجتماعی به وجود می‌آورد که در بردارنده مزایای متعددی برای اعضاست (موحد و نیازی، ۱۳۸۷: ۳۸). به این ترتیب سازمان‌های دینی تنها محل عبادت نیستند، بلکه در ضمن کارکردهای اجتماعی نیز دارد که از جمله آنها می‌توان به تقویت فرهنگ شهروندی اشاره کرد.

در ادامه فرضیه مبنی بر وجود رابطه تفاوت بین میزان تحصیلات و درآمد

پاسخگویان با فرهنگ شهروندی رد شدند. نهایتاً در مدل معادله رگرسیونی چهار متغیر در مدل باقی ماندند که متغیر میزان دینداری به‌عنوان اولین و قوی‌ترین متغیر وارد معادله شده است و به تنهایی توانسته است ۰/۳۸ از تغییرهای واریانس متغیر وابسته این تحقیق (فرهنگ شهروندی) را تبیین کند سپس متغیرهای میزان آگاهی سیاسی و هویت ملی و میزان تحصیلات در معادله وارد شدند که در مجموع این سه متغیر توانسته‌اند ۳۸ درصد ($R^2=0/38$) از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

منابع

- اذانی، مهری؛ حاتمی، مجتبی؛ حاتمی، حسین (۱۳۹۰)؛ «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد»، *مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، س اول، ش ۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- ترکمان، فرح؛ بهمن‌پور، سکینه (۱۳۸۹)؛ «نقش شهروندی براساس کتاب‌های علوم اجتماعی دبیرستان»، *فصلنامه علوم رفتاری*، دوره دوم، ش ۳، صص ۹-۲۹.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰)؛ «بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام اجتماعی و شهروندی در اروپا»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۱-۲۴.
- سراج‌زاده، محمدحسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ «دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۱۶، ش ۶۳، صص ۷۱-۱۰۶.
- شاه‌طالبی، بدری؛ قلی‌زاده، آذر؛ شریفی، سعید (۱۳۸۹)؛ «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، س ۴، ش ۲، صص ۷۳-۹۶.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۷)؛ «تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن»، *فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی*، س ۲ و ۳، ش ۹ و ۸، دوره تابستان و پائیز، صص ۱۱۹-۱۵۴.
- طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ فتحی‌واجارگاه، کوروش (۱۳۸۲)؛ *مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی*، تهران: آریز.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰)؛ «تعامل جهانی‌شدن، شهروندی و دین»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۹، ش ۱۸، صص ۱۵۰-۱۷۵.
- عزیزی، سیدمحسن؛ مختاری، منصوره؛ لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۹۳)؛ «ابعاد تربیت شهروندی در کتاب‌های دوره پیش دبستانی از دیدگاه مربیان این دوره»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۵، ش ۳، صص ۳۱-۵۴.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶)؛ «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۷، ش ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱)؛ *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فتحی، سروش؛ ثابتی، مریم (۱۳۹۱)؛ «توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، س ۲، ش ۲، صص ۱۶۳-۱۹۵.
- کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۳)؛ «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ج ۱۷، ش ۲، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- کیشانی‌فراهانی، عزت‌الله؛ فرمینی‌فراهانی، محسن؛ رهنما، اکبر (۱۳۹۲)؛ «مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۴، ش ۴، صص ۵۱-۷۴.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵)؛ «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۵، ش ۱۷، صص ۱۱-۴۴.
- محمودی، محمدتقی (۱۳۹۰)؛ «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی»، *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، دوره دوم، ش ۲-۱، صص ۹۶-۱۰۸.
- موحد، مجید؛ عباسی‌شوازی، محمدتقی؛ دلبر، محمد (۱۳۸۸)؛ «دینداری و حقوق شهروندی: بررسی جامعه‌شناختی رابطه دینداری با حقوق شهروندی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی*، س ۳، ش ۳، صص ۱۴۳-۱۴۶.

- موحد، مجید؛ نیازی، صغری (۱۳۸۷)؛ «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، *پژوهش زنان*، دوره ۶، ش ۱، صص ۲۹-۵۴.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۸)؛ «بازخوانی نظریه‌ها و مفاهیم شهروندی: فهم روندها و چشم‌اندازها»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۱۱، ش ۲۰، صص ۱۱-۴۰.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۴)؛ «نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، س ۱۷، ش ۱۸۳، صص ۱۶-۳۵.
- هاشمیان‌فر، علی؛ عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱)؛ «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان»، *مطالعات شهری*، س ۲، ش ۳، صص ۲۰۹-۲۳۰.
- هاشمیان‌فر، علی؛ گنجی، محمد (۱۳۸۸)؛ «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، ش ۳۳، صص ۲۵-۴۴.
- همتی، رضا؛ احمدی، وکیل (۱۳۹۳)؛ «توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱۸، صص ۱۳۹-۱۸۳.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۱۱-۴۲.
- Akar, Bassel (2012); "Teaching for Citizenship in Lebanon: Teacher Talk About the Civics Classroom", *Teaching and Teacher Education*, Vol 3, No. 28, PP 470-480.
- Alabas, Ramazan (2010); "Primary school students' conceptions of citizenship", *Procedia Social and Behavioral Scienc*, Vol 1, No. 2, PP 2528-2532.
- Delli-Carpini, M. X. & Keeter, S. (1996); *What American Know about Politics & Why it Matters*, New Haven: Yale University Press.
- Flum, Hanoch and Rachel Gali Cinamon (2011); "Immigration and the Interplay among Citizenship, Identity and Career: The Case of Ethiopian Immigration", *Journal of Vocational Behavior*, Vol 78, No.78, PP 372-380.
- Janoski, Thomas (1998); *Citizenship and Civil Society*, London: Cambridge university press.
- Luksyte, Aleksandra and Derek Avery (2010); "The Effects of citizenship dissimilarity and national pride on attitudes toward immigrants: Investigating mediators and moderators of intergroup contact", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 34, No 6, PP 629-641.
- Marshall, T.H. (1950); *Citizenship and Social Class*, Combridge:Cambridge University Press.
- Turner, B. (1986); *Citizenship and Capitalism*, London: Allen and Uniwin.
- Turner, B. (1990); "Outline of a Theory of Citizenship", *Sociology*, Vol. 24, No.2, PP 189-217.
- UNESCO Insite for Education (2004); "Culture of Ctizenship: A Cuture of Citize action and commitment", Working document. Available at:<www.education.unesco.org/uie>.
- Wang, jen and chak-keung wong (2011); "Understanding organizational citizenship behavior from a cultural perspective: An empirical study within the context of hotels in Mainland China", *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 30, No 4, PP 845-854.